

مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش‌نامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ
سال دوازدهم، شماره‌ی چهل‌وهشتم، تابستان ۱۴۰۰، صص ۲۷-۵۵
(مقاله علمی - پژوهشی)

شکل‌گیری اندیشه‌ی اعزام محصل به آمریکا (با تکیه بر نقش دیپلمات‌ها)

فرشته جهانی، سید محمد طاهری مقدم^۲

چکیده

آشنایی با اصول تمدن، فرهنگ، علوم و دانش کشورهای غربی و به کارگیری تجارب و دانش آنها در ایران با اعزام محصل به آن کشورها، از جمله موضوعاتی بود که توجه بسیاری از دولتمردان و مصلحان را به خود معطوف کرد. بعد از دوره‌ی مشروطه، یکی از کشورهایی که برای برون‌رفت ایران از عقب‌ماندگی آموزشی به آن توجه شد، کشور آمریکا بود. مقاله حاضر با روش توصیفی-تحلیلی، و با تکیه بر اسناد منتشرنشده در پی پاسخ به این سوال‌هاست که چرا محصلان ایرانی به کشور آمریکا تمایل داشتند؟ دیپلمات‌های ایران در آمریکا در ورود محصلان ایرانی به این کشور چه نقشی داشتند؟ و محصلان در چه حوزه‌ای به تحصیل پرداختند؟ یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که ضعف نظام آموزشی ایران و بی‌نتیجه بودن اعزام محصل به اروپا سبب شد نمایندگان سیاسی ایران در آمریکا، سیاست اعزام محصل را به آمریکا پی‌گیری کنند. علیقلی خان نبیل‌الدوله و حسین علایی از جمله دیپلمات‌هایی بودند که با ارسال گزارش‌های متعدد به مقامات دولتی مبنی بر توسعه و تحول آمریکا در عرصه‌ی نظام علمی و آموزشی، موفق شدند زمینه ورود محصلان ایرانی (حتی محصلان دختر) را به آمریکا و تحصیل در

۱. دانش‌آموخته دکتری تخصصی تاریخ ایران بعد از اسلام، دانشگاه پیام‌نور تهران، ایران (نویسنده

مسئول) (Fereshtejahani65@gmail.com)

۲. استادیار گروه تاریخ دانشگاه ایلام، ایران (mtahere@yahoo.com)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۷/۲۰ - تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۹/۹

رشته‌هایی همچون فنون نظامی، زراعت و فلاحت، طب، فنی و مهندسی فراهم آوردند؛ به طوری که در آخرین سال‌های حکومت قاجاریه، مناسبات علمی و آموزشی ایران و آمریکا رو به ترقی گذاشت و شمار قابل‌توجهی از محصلان ایرانی که به آمریکا اعزام شده بودند پس از فارغ‌التحصیلی و بازگشت به ایران منشأ خدمات شایسته‌ای شدند.

واژه‌های کلیدی: اعزام محصل، آمریکا، پزشکی، دانش نظامی، دیپلمات‌ها، کشاورزی

مقدمه

مهاجرت علمی از جمله پدیده‌هایی است که در دوره قاجاریه و به ویژه بعد از شکست‌های ایران از روسیه و آگاه شدن سیاستمداران و مصلحان ایرانی از عقب‌ماندگی ایران در زمینه علم و صنعت مورد توجه قرار گرفت. در این دوره، برخی از مقامات دولتی همچون عباس میرزا به خوبی دریافتند که ریشه بسیاری از گرفتاری‌های ایران به دلیل نبود نظام آموزشی کارا و قوی است. وی به این موضوع پی برد که تا اکثریت مردم باسواد و خواستار ترقی نشوند، کشور پیشرفت نخواهد کرد، همچنین بدون آشنایی با فنون نظامی و علوم جدید، نمی‌توان کشور را در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی در برابر دشمنان حفظ کرد. به همین دلیل نخستین گروه از محصلان ایرانی را برای فرا گرفتن علوم و فنون به کشورهای اروپایی راهی کرد. افرادی مانند امیرکبیر، میرزا حسین سپهسالار و... سیاست اعزام محصل به فرنگ را در دوره‌های بعد ادامه دادند. آنها بر به‌کارگیری تجارب و دانش‌های کشورهای خارجی تأکید داشتند. علاوه بر سیاستمداران، متجددان و نویسندگانی همچون عبدالرحیم طالبوف، سید حسن تقی‌زاده، میرزا آقاخان کرمانی و... ضمن تأکید بر تأسیس و توسعه مدارس، راهکار خاتمه دادن به عقب‌ماندگی‌های ایران را در بهره‌گیری از دانش‌های مدرن و الگو قرار دادن کشورهای مطرح دنیا می‌دانستند (بهنام، ۱۳۷۵: ۷۰-۷۱). یکی از کشورهایی که در این دوره مورد توجه قرار گرفت ایالات متحده بود. البته در ابتدا، به دلایلی همچون مسافت طولانی بین ایران و آمریکا، مخارج گراف اقامت در آنجا و نبود آگاهی لازم در

خصوص نظام آموزشی این کشور، ایرانیان به فرستادن فرزندانشان به آن کشور تمایل چندانی نداشتند، اما بعد از پیروزی انقلاب مشروطه، آگاهی از تحولات آمریکا در حوزهٔ نظام آموزشی در مطبوعات ایران دو چندان شد. علاوه بر نقش مطبوعات در ارائه تصویری از نظام آموزشی آمریکا باید به نقش تجددگرایان، روشنفکران، میسیونرهای آمریکایی و فعالیت‌های انجمن ملی ایران و آمریکا نیز اشاره کرد که نقش مهمی در تنویر اذهان ایرانیان به نظام آموزشی آمریکا ایفا کردند.^(۱) باید اذعان داشت که اگرچه این مطبوعات و روشنفکران بودند که در چارچوب اندیشهٔ تجدد به گونه‌ای قاطع و نظام‌مند به انتقاد از اوضاع فرهنگی ایران آن عصر می‌پرداختند و در همان حال به تفصیل به راه‌حل‌های پیشنهادی خود را ارائه می‌کردند که همان الگو قرار دادن آمریکا به طور عام و اعزام دانشجو به آن کشور به طور خاص بود، اجرایی کردن راه‌حل‌های مورد بحث، خارج از توان آنان بود. در نهایت، این نمایندگان سیاسی ایران در واشنگتن بودند که با ارسال گزارش‌های متعدد در خصوص برتری علمی و فنی آمریکا به دیگر کشورهای غربی و نیز متقاعد کردن مقامات ایرانی و آمریکایی، زمینهٔ اعزام محصلان ایرانی را به آمریکا فراهم آوردند و آن را عملی کردند. در پژوهش حاضر، فقط به نقش علیقلی خان نبیل‌الدوله و حسین علایی در اعزام محصل به آمریکا پرداخته شده است، زیرا دیگر دیپلمات‌های ایرانی مانند حسینقلی خان صدرالسلطنه، میرزا اسحاق خان مفخم‌الدوله، مرتضی قلی ممتازالملک، عبدالعلی صدیق‌السلطنه و مهدی خان امیر تومان در این عرصه اقدام جدی انجام نداده‌اند.

در همین ضمن به دلایلی چند، در داخل ایران تمایل و گرایش بسیاری به نظام آموزشی آمریکا وجود داشت، از جملهٔ این دلایل موارد زیر قابل اشاره است: یکی اینکه در آستانهٔ انقلاب مشروطه و بعد از آن، آمریکا در عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی تحولات سریع و شگفت‌انگیزی را پشت سر گذاشته و در بسیاری از این حوزه‌ها به دستاوردهای سریع و دور از انتظاری نایل شده بود، به طوری که حتی کشورهای اروپایی با ستایش و تحسین از این تحولات یاد می‌کردند. همچنین این کشور برخلاف برخی از کشورهای اروپایی، سابقهٔ استعماری نداشت و به علت بعد فاصله نمی‌توانست مطامع استعماری‌اش را در ایران پیاده کند. به همین دلیل بسیاری از روشنفکران و

دیپلمات‌ها، آمریکا را کشور مناسبی برای اخذ الگوهای تجدد و تمدن و استفاده از تجربیات علمی و عملی این کشور می‌دانستند.

بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که به‌رغم پژوهش‌های گوناگون دربارهٔ اعزام محصلان ایرانی به غرب، در هیچ یک از این منابع به ایرانیانی اشاره نشده که در این دوره در آمریکا به تحصیل پرداختند و همواره این مسئله نادیده گرفته شده است. برای نمونه، در پژوهشی‌هایی مانند «فرستادن دانشجو به خارج در دورهٔ قاجار و پهلوی» تألیف حسین مرادی‌نژاد و پرویز پژوهش شریعتی، «اعزام محصل در عصر قاجار و انتقاد به این روند» نوشتهٔ ابراهیم بوچانی و سید حسین عمادی و «اعزام محصل به خارج از کشور در دورهٔ قاجاریه» نوشتهٔ غلامعلی سرمد، فقط به تحصیل محصلان در اروپا توجه شده است. علاوه بر موارد پیش گفته، در کتاب *بررسی مناسبات ایران و آمریکا* نوشتهٔ علی موجانی، مناسبات فرهنگی ایران و آمریکا تا حدودی به بحث گذاشته شده، اما نویسنده بیشتر به مقولاتی همچون انجمن تربیتی ایران و آمریکا پرداخته و به موضوع مقاله حاضر اشاره‌ای نکرده است. در کتابی دیگر از علی موجانی با نام *گزیده اسناد روابط ایران و آمریکا*، به‌رغم آوردن اسناد متعدد در حوزه‌های گوناگون، دربارهٔ موضوع مقاله حاضر جز اشاره‌های پراکندهٔ سندی مطلب دیگری مشاهده نشد. لازم به ذکر است که بنا به محدودیت منابع، نگارندگان برای تهیه مستندات که به اثبات یا رد فرضیه مطروحه کمک کند، از اسناد منتشر نشدهٔ وزارت امور خارجه، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران و مطبوعات بهره برده‌اند. همچنین این پژوهش به لحاظ زمانی از دورهٔ مشروطه تا پایان عصر قاجاریه را در برمی‌گیرد.

پژوهش پیش‌رو، در پی پاسخی برای این پرسش‌هاست که دلایل گرایش محصلان ایرانی به آمریکا چه بود؟ و نمایندگان ایران در واشنگتن تا چه اندازه در اعزام آنها نقش داشتند؟ با بررسی اسناد گوناگون این فرضیه مطرح شد که علیقلی خان نبیل‌الدوله و حسین علایی از جمله دیپلمات‌هایی بودند که با شناخت دقیق نظام آموزشی آمریکا و برتر دانستن آن نسبت به نظام آموزشی اروپا، در متقاعد کردن مقامات دولتی برای فرستادن محصل به آمریکا نقش مهمی ایفا کردند. به‌طوری‌که به دنبال گزارش‌های آنها از پیشرفت و توسعهٔ حیرت‌انگیز نظام آموزشی آمریکا و پیشی گرفتن این کشور بر

اروپا، زمینهٔ اعزام محصلان ایرانی برای تحصیل در رشته‌هایی همچون دانش نظامی، فلاح و زراعت، طب، مالیه و... فراهم شد.

تأملی در نگاه مطبوعات به علم و دانش در ایران و آمریکا

در دورهٔ قاجار گفتمان حاکم بر نظام آموزشی، گفتمان سنتی بود، اما رفته‌رفته معایب و ناکارآمدی این سبک آموزش بر همه آشکار شد. به دنبال این ناکارآمدی روشن شد که بسیاری از خرابی‌های ایران به دلیل نداشتن معارف صحیح و کامل است. بنابراین، بسیاری از روشنفکران مانند سید حسن تقی‌زاده، عبدالرحیم طالبوف، حسین کاظم‌زاده یکصدا بر این باور بودند که همه اصلاحات، تجددها، ترقی‌ها و آبادی‌ها تنها به وسیله معارف محقق می‌شود (کاوه، ۱۳۳۹ق: س ۵، ش ۱/۱۱؛ طالبوف، ۲۵۳۶: ۲۰۸؛ ایرانشهر، ۱۳۴۲ق، س ۲، ش ۸/۴۳۸). این صحبت‌ها در حالی مطرح می‌شد که به قول طالبوف «در ایران در میان ۱۵۰۰ تن، یک نویسنده نیست... یک ده که ۲ هزار نفر جمعیت دارد... یک باسواد ندارد.» (طالبوف، ۲۵۳۶: ۱۱۲) بدین ترتیب، حتی بعد از انقلاب مشروطه هم چشم‌انداز روشنی از برطرف شدن رکود علم در کشور وجود نداشت. به گونه‌ای که در ۱۳۲۹ هجری قمری، روزنامهٔ مجلس شکوه داشت که چند سال است ملت ایران سلطنت مشروطه و حکومت ملی دارد، اما به دلیل نداشتن علم، به جای ترقی رو به تنزل گذاشته است (مجلس، ۱۳۲۹ق: ش ۱/۲۷). آنها در ادامهٔ این انتقادات به ارائه راهکار می‌پرداختند. از جملهٔ این راه‌حل‌ها، فرستادن محصل به کشورهای غربی و گسترش علوم و معارف بود، هر چند این اقدام‌ها از سال‌ها قبل با اعزام محصلان به اروپا اتفاق افتاده بود، اما نتیجهٔ چشمگیری از آن حاصل نشده بود.

در این میان، تحولات ایالات متحده به ویژه در عرصه فرهنگی و آموزشی، سبب شد بسیاری از صاحب‌نظران به این کشور توجه کنند به طوری که بررسی و تبیین پیشرفت‌های آمریکا در عرصهٔ نظام فرهنگی به ویژه بحث از علم و دانش، یکی از جدی‌ترین مباحثی شد که نویسندگان دورهٔ قاجاریه به آن پرداختند. آنها ریشه‌های موفقیت آمریکاییان را در این عرصه تجزیه و تحلیل کردند و به این نتیجه رسیدند که تحولات سریع همه‌جانبه در آمریکا عمدتاً، در عواملی چون جایگاه رفیع علم و معارف

به طور عام و مدارس و نظام آموزشی به طور خاص ریشه دارد (حبل‌المتین، ۱۳۱۸ق: س ۷، ش ۳۹/۸). آمریکایی‌ها در زمینه‌های علمی سرمایه‌گذاری کلانی کرده بودند که در نتیجه آن مدارس و دانشگاه‌ها رشد کرد و دانشمندان و مخترعان بسیاری ظهور کردند (اختر، ۱۳۰۹ق، س ۷، ش ۲/۵۲۶۸). مشاهده چنین وضعیتی باعث شد که برای بسیاری از متجددان و نوخواهان ایرانی شکی باقی نماند که راه پیشرفت ایران از مسیر ترقی آمریکا می‌گذرد. روزنامه‌تیریا پیشنهاد می‌کرد که «باید علمی که حکمای آمریکا در آن ترقی کرده و به منصفه ظهور رسانده‌اند را یاد بگیریم.» (تیریا، ۱۳۱۷ق: س ۱، ش ۱۵/۴۲) بدون شک یکی از راه‌های یادگیری، اعزام محصلان به این کشور بود که در سایه حضور دیپلمات‌های توانایی همچون علیقلی‌خان و علایی محقق شد.

تلاش‌های علیقلی‌خان نبیل‌الدوله برای اعزام محصل به آمریکا

بدون شک، به‌رغم گزارش‌ها و بازتاب پیشرفت‌های شگفت‌انگیز نظام آموزشی آمریکا در مطبوعات، اگر نمایندگان سیاسی ایران در واشنگتن نبودند، زمینه ورود محصلان ایرانی به آمریکا که مخارج گزافی را به همراه داشت، در دوره قاجاریه فراهم نمی‌شد. یکی از این نمایندگان که برای محقق‌شدن اعزام محصلان به این کشور تلاش‌های بسیاری انجام داد، علیقلی‌خان نبیل‌الدوله بود. وی در گزارش ارسالی ۱۲ شعبان ۱۳۲۷ هجری قمری به وزارت خارجه می‌نویسد: «بنده علیقلی‌خان که ۱۶ سال قبل از مدرسه دارالفنون تهران فارغ‌التحصیل شدم و زبان‌های انگلیسی، فرانسه و علوم و فنون و معارف غرب را در آنجا مقدماتاً تحصیل کرده‌ام نظر به اینکه آن ایام اوضاع ایران نوعی نبود که امثال بنده در آن مسکن نماید بنابراین ۱۲ سال قبل از ایران به خارجه رفته و ۱۰ سال است که در آمریکا زندگی می‌کنم و تمام این سال‌ها را مشغول غور و فصیح در مطالب فلسفی و تاریخی و سیاسی بوده و در فنون و معارف و حکمت ایران قدیم و اروپا سال‌ها است در حضور علمای بزرگ آمریکا خطابه خوانده و در مدارس کلیه و انجمن‌های فلاسفه آمریکا تدریس نموده‌ام به نوعی که در تمام این بلاد به این معارف مشهور شده و کتب و مقالات علمی نوشته و تمام جراید مهمه این مملکت وسیع تفصیلات مفصله در خصوص خطابات بنده در جراید خود طبع و نشر نموده و

می‌نمایند. در پنج سال قبل با یکی از دختران آمریکا که صاحب علوم و کمالات و تصنیف و تالیف است در شهر بوستون که در شمال نیویورک است و مرکز علمی آمریکا است وصلت نمودم.» (استادوخ، ۱۳۲۷ق: ک ۲۰، پ ۱، ۳۵) تسلط علیقلی‌خان به چند زبان، آشنایی کامل او با فرهنگ و تمدن آمریکا، سابقه اقامتش در این کشور و مهم‌تر از همه داشتن همسری آمریکایی که به ایران علاقه بسیاری داشت، از جمله امتیازاتی بود که می‌توانست در متقاعد کردن مقامات دولتی برای اعزام محصل به آمریکا مثرثمر باشد.

علیقلی‌خان در تمام گزارش‌های خود از انسان‌دوستی، قانون‌مداری و عدالت‌خواهی دولت و ملت آمریکا سخن می‌گوید. (استادوخ، ۱۳۳۶ق: ک ۲۱، پ ۱، ۳۱) و خواستار گسترش روابط بین دو کشور می‌شود. برای تحقق این امر وی پیشنهاد می‌کند که گروهی از ایرانیان در مدارس آمریکا تربیت شوند و مدارس به سبک نظام آموزشی این کشور در ولایات مختلف ایران تأسیس شود. او معتقد بود از نظر علمی، عملی و اخلاقی مدارس آمریکا از کلیه کشورهای برتر است، زیرا کشورهای اروپایی هم دانشجویان خود را برای تحصیل در رشته‌های علوم و فنون مهندسی، مالیه، تجارت، فلاح، معدن و غیره، به این کشور اعزام می‌کنند. علیقلی‌خان همچنین ترقی ژاپن و بیداری چین را نتیجه اعزام دانشجویان به آمریکا می‌داند (استادوخ، ۱۳۲۹ق: ک ۲۰، پ ۱، ۱۴). وی برای کاهش مخارج تحصیل ایرانی‌ها در مدارس آمریکا، با رئیس آکادمی «مری‌بورک» در ایالت پنسیلوانیا به مذاکره پرداخت و پیشنهاد کرد از ایرانیان متقاضی تحصیل در آمریکا، همان شهریه‌ای دریافت شود که در اروپا پرداخت می‌کنند تا بدین وسیله داوطلبانی که هر ساله به اروپا فرستاده می‌شوند از این پس به آمریکا بیایند. در نتیجه این مذاکرات، رئیس مدرسه مری‌بورک متعهد شد که مدرسه خود را به مرکز و کانون ترقی و پیشرفت دانشجویان ایرانی تبدیل کند و بدین ترتیب به دنبال این گفت‌وگو، نخستین گام برای اعزام محصلان ایرانی به آمریکا برداشته شد (استادوخ، ۱۳۲۹ق: ک ۲۰، پ ۱، ۱۶-۱۴).

در ادامه تلاش‌های علیقلی‌خان برای متقاعد کردن مقامات دولتی به زمینه‌سازی اعزام محصلان ایرانی به آمریکا، تلاش‌های وی در معرفی مدارس آمریکا قابل اشاره است.

توصیف‌های او از وضعیت علمی آمریکا، مقامات وزارت خارجه را تحت تأثیر قرار می‌داد. وی در یکی از این گزارش‌ها، از مدارس ویژه خارجیانی که به نیویورک می‌آیند و از اینکه نهایت سعی خود را خواهد کرد که نظر مسئولان آمریکایی را برای تحصیل رایگان محصلان ایرانی جلب کند، سخن گفته است. وی در ادامه گزارش می‌نویسد که فقط در مدرسه کلیه نیویورک، چهار هزار شاگرد به‌طور رایگان تحصیل می‌کنند و حتی کتاب و کاغذ و لوازم تحصیل را نیز رایگان در اختیار آنان می‌گذارند. وی بعد از توصیف جزء به جزء این مدرسه می‌نویسد که با رئیس مدرسه در خصوص پذیرش رایگان شاگردان ایرانی به گفت و گو پرداخته است (ساکما: ۲۹۷/۱۳۹۷۹). در توصیف مدرسه مرزبورک می‌گوید: این مدرسه یکی از هفت مدرسه بزرگ آمریکا است که مخارج آن نصف مدارس دیگر است (استادوخ، ۱۳۲۹ق: ک ۲۰، پ ۱، ۱۶-۱۴). وزارت خارجه و مقامات ایرانی در نامه‌ای ضمن تشکر از اقدامات فرهنگی علیقلی‌خان، از توصیف‌های او اظهار حیرت و از پیگیری وی برای فرستادن محصل بدون هزینه استقبال کردند (استادوخ، ۱۳۲۹ق، ک ۲۰، پ ۱، ۶۰۴).

از دیگر اقدامات علیقلی‌خان، معرفی فعالان فرهنگی آمریکا به مقامات دولتی بود. هدف از این اقدام، جذب کمک‌های فرهنگی خیرین آمریکایی ذکر شده است. یکی از این افراد، جردن رئیس دارالفنون شیکاگو بود (استادوخ، ۱۳۳۷ق: ک ۱۰، پ ۴، ۲۴، ۲۳) که قرار بود از طرف انجمن تربیتی ایران و آمریکا برای کمک به ایران بیاید (استادوخ، ۱۳۳۷ق، ک ۱۰، پ ۴: ۶). وی هشدار می‌دهد که اولیای امور بایستی متوجه اهمیت حضور جردن در ایران باشند، زیرا وی مقالات زیادی درباره این سفر خواهد نوشت و در آمریکا نفوذ زیادی دارد و اشخاصی همچون «مستر راکفلر» رئیس کمپانی نفت و یکی از خیرین مطرح آمریکا مقالات او را می‌خوانند (استادوخ، ۱۳۳۷ق: ک ۱۰، پ ۴، ۲۳). در حقیقت علیقلی‌خان امیدوار بود به واسطه عملکرد حساب‌شده دولت ایران و بازتاب آن در نوشته‌های جردن، راکفلر تحت تأثیر قرار گیرد و مساعدت‌های مالی‌اش شامل حال معارف ایران نیز شود.

در نتیجه تلاش‌های این دیپلمات ایرانی، به تدریج موضوع اعزام دانشجویان ایرانی به آمریکا در دستور کار قرار گرفت. به نظر می‌رسد در ابتدا، برای پایان دادن به تردید و

تزلزل‌ها در اعزام دانشجویان به آمریکا، خود علیقلی خان شخصاً در مسئله مداخله کرده تا بدین وسیله راه‌گشای این امر باشد. روزنامهٔ چهره‌نما در گزارشی می‌نویسد، دایرهٔ حضور ایرانیان در آمریکا، روز به‌روز، توسعه پیدا می‌کند و این به‌خاطر نقش علیقلی شارژدافر ایران است که اکنون سه نفر از جوانان ۱۲، ۱۴ و ۱۶ سالهٔ ایرانی موسوم به سیف‌الدین خان، مظفرالدین خان و محمدخان را برای تحصیل علوم عالی در رشته‌های مالیه، زراعت و طبابت با خود به آمریکا برده است (چهره‌نما، ۱۳۲۹ق: س ۸، ش ۴/ ۱۳-۱۲).^(۲) از این گزارش چنین استنباط می‌شود که ایرانیان در آمریکا حضور داشته‌اند و تلاش‌های علیقلی خان موجب ازدیاد آنان شده است، اما باید متوجه بود که اهمیت تلاش‌های علیقلی خان صرفاً در تشویق ایرانیان برای ورود به آمریکا نیست بلکه در تأکید او بر تحصیل در آمریکا است. علاوه‌براین، هدف علیقلی خان از بردن این سه نفر با خود، ترغیب و تشویق دیگران بود تا آنان نیز به این کار اقدام کنند. بنابراین به نظر می‌رسد علیقلی خان با مطالعه و بررسی دقیق نظام آموزشی آمریکا و غور در مدارس و نهادهای مرتبط با آن، به این نتیجه رسیده بود که تنها راه خروج جامعهٔ ایران از عقب‌ماندگی و گام گذاشتن در مسیر توسعه، فقط با الگوبرداری از نظام آموزشی ایالات متحده امکان‌پذیر است، لذا تمام تلاش خود را برای جلب حمایت آمریکاییان از پذیرش محصلان ایرانی و متقاعد کردن دولت ایران برای اعزام محصلان به این کشور به کار گرفت.

نقش حسین علایی در اعزام محصل به آمریکا

میرزا حسین خان ملقب به معین‌الوزراء و مشهور به حسین علایی^(۳) وزیر مختار ایران در واشنگتن، مهم‌ترین شخصیت تأثیرگذار در تسهیل زمینه‌های تحصیل ایرانیان در آمریکا بود. او در مدرسهٔ وست‌ینستر و بعد در جامعهٔ لندن، تحصیلات خود را به پایان رساند و سپس به عرصهٔ سیاسی وارد شد. نخست در ۱۹۰۲م/۱۳۲۰ق، فعالیت در سفارت ایران را در لندن برعهده گرفت و بعد از اتمام این دوره و مراجعت به ایران، به سمت وزارت فواید عامه، فلاح و تجارت مقیمین منصوب شد و بعد از آن به مشاغل مهم دیگری دست یافت، تا آنکه در ۱۹۱۹ میلادی، به عضویت هیئت نمایندگان ایران در آمد

و مأمور پاریس شد. بعد از این سمت، مهم‌ترین منصبی که به علایی واگذار شد، سمت وزیرمختاری ایران در واشنگتن بود (استادوخ، ۱۳۰۰ش: ک ۲۳، پ، ۱۹۴). در این سمت، علایی منشأ خدمات ارزنده‌ای در مناسبات فرهنگی و نظام آموزشی بین دو کشور شد.

یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های فرهنگی علایی، اخذ دانش نوین از آمریکا بود. او در یکی از گزارش‌هایش به وزارت داخله می‌نویسد که دولت باید در طرز برخورد با دانش‌آموزان و ارائه راهکارهای تشویق و ترغیب جوانان به تحصیل و چگونگی کمک مالی به آنها از آمریکا الگو بگیرد، زیرا محیط مدارس آمریکا برای تربیت اخلاقی شاگردان بسیار خوب است. برای نمونه اشاره می‌کند که «کودکان آنجا برای تأمین مخارج زندگی خود به فروش روزنامه، مجلات و سایر کارها می‌پردازند و از سن ۱۳ سالگی به بعد، در ادارات مختلف دولتی و تجارتي و حتی بعضی مغازه‌های معمولی به شغل پادویی و... مشغول می‌شوند و از این طریق هزینه‌های خود را تأمین می‌کنند. محصلان کالج و دارالفنون‌ها که معمولاً به سن بیست‌سالگی رسیده‌اند، بایستی شخصاً تمام هزینه‌های خود را تأمین کنند. در این مقطع سنی، هیچ‌گونه شغل و کسب مشروعی برای محصل عیب و عار نیست و بارها دیده شده که پسر شخص ثروتمندی به نظافت مهمانخانه‌ها مشغول است. نتایجی که از این ترتیب حاصل می‌شود سلامت مزاج، تولید حق استقلال، اعتماد به نفس، تزکیه اخلاق به واسطه سیر در طرق مختلفه زندگی، حق تعدیل خرج و دخل در امور معاش و لزوم صرفه‌جویی و پس‌انداز است و در نتیجه، برخلاف نیمی از جوانان ایرانی که بعد از مرگ پدر بی‌پروا دست به اموال موروثی او دراز می‌کنند، جوانان آمریکایی مستقل هستند.» (ساکما: ۲۹۳/۵۴۲۳) بنا به اعتقاد علایی، پیروی از اصولی که آمریکاییان برای تربیت دانش‌آموزان به کار می‌برند، می‌توانست یکی از موجبات مهم و سریع سعادت و ترقی ایران باشد و رعایت همین اصول، اگر نخستین عامل سریع سعادت و ترقی آمریکا نباشد، قطعاً یکی از دلایل مهم آن بوده است. به دنبال تلاش‌های علایی که از هر فرصتی برای جذب دانشجو استفاده می‌کرد، روند ورود محصلان ایرانی به آمریکا سرعت گرفت. یکی از مهم‌ترین تلاش‌های او، تخفیف تحصیلی و مذاکره با مقامات آمریکایی درباره افزایش بورسیه

تحصیلی به ایرانیان بود. وی همچنین در سال ۱۳۴۱ هجری قمری، در نامه‌هایی حکمران بنادر خلیج فارس را ترغیب کرد که به جای فرستادن محصل به هندوستان، آنها را به آمریکا اعزام کند. در حقیقت علایی بر این باور بود که با الگو قرار دادن آمریکا و فرستادن تعدادی از جوانان ایرانی به این کشور برای تحصیل در رشته‌های فنی، می‌توان مفاسد و معایب ایران را اصلاح کرد (ساکما: ۲۹۳/۵۴۲۳). بدین ترتیب با تلاش‌های چشمگیر علایی، عده زیادی از جوانان ایرانی برای تعلیم در حوزه‌های مختلف به مدارس آمریکایی وارد شدند (استادوخ، ۱۳۰۲ ش: ک ۳۳، پ ۹، ش ۳۰). همچنین در نتیجه هماهنگی و تلاش‌های وی، ارتباط با محافل علمی آمریکا رو به پیشرفت گذاشت. در سال ۱۳۴۰ هجری قمری، علایی در گزارشی به ایران می‌نویسد که انجمن معارف آمریکا، سفارت ایران را دعوت کرده است که پنج نماینده به کنفرانس عمومی معارف بفرستد که در ۱۳۴۱ هجری قمری، در شهر اوکلاند ایالت کالیفرنیا تشکیل می‌شود (ساکما، ۲۹۷/۳۸۵۸۷). همچنین این انجمن از وزارت معارف ایران خواست که اطلاعاتی درباره تعداد مدارس و تعداد محصلان دختر و پسر، مخارجی که دولت برای محصلان خرج می‌کند، پروگرام مدارس و از این قبیل اطلاعات، برای وزارت معارف آمریکا ارسال کند (ساکما: ۲۹۷/۴۱۶۳۱؛ ۲۹۷/۳۰۵۲۹). گزارش‌های علائی گویای تلاش او برای آگاه کردن اذهان ایرانیان از تغییرات و پیشرفت‌های عمده ایلات متحده است که به سبب بهره‌مندی آنها از دستاوردهای علمی و نظام آموزشی کارآمد میسر شده است. وی از تمام ظرفیت خود برای برقراری ارتباط علمی بین ایران و آمریکا استفاده کرد تا بتواند با فراهم آوردن زمینه مرادفات علمی، گامی در جهت اصلاح نظام آموزشی ایران بردارد.

آشوریان و ارمنیان نخستین فارغ‌التحصیلان ایرانی در آمریکا

به دنبال تلاش‌های علیقلی خان و علایی، شمار محصلان ایرانی در آمریکا بسیار شد، البته آمار مشخصی در این زمینه وجود ندارد، زیرا اعزام دانشجویان در انحصار وزارت معارف نبود و دیگر وزارتخانه‌ها نیز به طور مستقل، به اعزام دانشجویان برای تحصیل در تخصص‌های مورد نیاز خود اقدام می‌کردند (استادوخ، ۱۳۳۹ق: ک ۳۰، پ ۱۰، ش ۱۳).

علاوه بر این، بخشی از ایرانیانی که به آمریکا می‌رفتند، ترک تابعیت کرده و تابعیت آمریکایی می‌گرفتند و از این رو، دیگر تبعه ایران به حساب نمی‌آمدند. البته برخی از آنها پس از پایان تحصیل به ایران باز می‌گشتند، اما با استناد به پاسپورت آمریکایی که دریافت کرده بودند، خود را آمریکایی می‌خواندند (استادوخ، ۱۳۲۱ق: ک ۱۱، پ ۵، ش ۱۰۵). علاوه بر موارد پیش گفته، در هر یک از ایالات آمریکا صدها مدرسه وجود داشت و اتباع و محصلان ایرانی در سراسر ایالات و مدارس آمریکا پراکنده بودند و چندان هم به سفارت و کنسولگری‌های ایران مراجعه نمی‌کردند و از این جهت اطلاع دقیقی از شمار آنان در آمریکا وجود نداشت (استادوخ، ۱۳۳۹ق: ک ۲۲، پ ۱، ش ۱۹۹). بنا بر اسناد به‌جامانده، نخستین مهاجران ایرانی به آمریکا، خواه برای کسب و کار و خواه برای ادامه تحصیل، از میان آشوریان و ارمنیان ارومیه بودند (موجانی، ۱۳۷۵: ۱۳۵). و این موضوع حاکی از تأثیر و نفوذ میسیون آمریکایی در این منطقه است که زمینه آشنایی مردم این منطقه را با آمریکا فراهم کرده بود. یکی از آشوریانی که برای تحصیل به آمریکا رفته بود، بنیامین یونس میرزا است که تابعیت آمریکایی گرفت (موجانی، ۱۳۷۵: ۵۸). وی در دهکده نازی از توابع ارومیه متولد شده بود و پس از پایان تحصیلات در ۱۹۰۳م / ۱۳۲۱ق، از ارومیه به آمریکا مهاجرت کرد و در آنجا در رشته تاریخ و علم ثروت به تحصیل پرداخت. یونس میرزا در ۱۹۱۴م / ۱۳۳۲ق، در دارالفنون در بالتیمور دیپلم گرفت و بعد از آن در رشته فلسفه حکومت‌های اساسی اروپا و قوانین مشروطیت و حقوق بین‌الملل به ادامه تحصیل پرداخت. وی امتحان دکترای فلسفه را با موفقیت پشت سر گذاشت. عبدالعلی‌خان صدری صدیق‌السلطنه سفیر ایران در واشنگتن، تز و اوراق امتحانی او را که راجع به حقوق و فقه اسلام بود، ملاحظه و آن را قابل تقدیر اعلام کرد. یونس میرزا از ۱۹۱۷ تا ۱۹۱۹م / ۱۳۳۵ تا ۱۳۳۷ق، در وزارت بحریه آمریکا و سپس در اداره کشتی‌های تجارت بحری واشنگتن به فعالیت مشغول شد. در این دوره، او به ایرانی بودن خود ادای وظیفه کرده و چندین کتاب با عناوین *ایران و ایرانیان*، *قوانین محمدی*، *فقه ایرانی* و *وقتی که پسری بودم در ایران*، به

۱. احتمالاً منظور نازلو است.

نگارش درآورد (استادوخ، ۱۳۳۸ق، ک ۲۲، پ ۱، ش ۹۵). علاوه بر یونس میرزا، تحصیل‌کردگان دیگری نیز در آنجا به کار مشغول شده بودند. برای نمونه به محسن‌خان‌افزند منشورالملک باید اشاره کرد که برای تحصیل علوم مالی به آمریکا رفته بود و بعدها به سمت اتاشه‌گری سفارت ایران در واشنگتن منصوب شد (ساکما: ۲۹۷/۱۷۷۴۸). با تلاش‌های علیقلی‌خان و حسین‌علایی، علاوه بر اعزام آشوریان و ارمنیان به آمریکا به تدریج، روند ورود دیگر محصلان ایرانی به آمریکا تسهیل شد. در زیر به معرفی برخی از کسانی که به کسب دانش‌های نوین در این کشور موفق شدند و زمینه‌های تحصیلی آنها می‌پردازیم.

اعزام محصل برای فراگیری دانش پزشکی

در دوره قاجاریه با توجه به شیوع بیماری‌های گوناگون و کاهش جمعیت، بهداشت و وضعیت درمان یکی از مهم‌ترین مباحث اجتماعی بود، در این دوره، متجددان و روشنفکران به خوبی به معایب و مشکلات شیوه غالب طبابت در جامعه یعنی، طب سنتی پی برده بودند. به همین دلیل، کوشیدند با توصیف و ارائه گزارش‌هایی از وضعیت بهداشت و نیز با مقایسه عملکرد دولت ایران با کشورهای غربی از جمله آمریکا در مواجهه با موضوع حفظ‌الصحه، توجه مردم را به این مسئله مهم جلب کنند. در این دوره، یکی از مولفه‌های مهم زندگی آمریکایی‌ها یعنی، مسئله بهداشت، پزشکی و اهمیت دادن به سلامتی شهروندان مورد توجه قرار گرفت. برای نمونه روزنامه‌تیرا نوشت: از جمله قوانین آمریکا این بود که دولت برای هر شهری به نسبت جمعیت آن شهر پزشک تعیین می‌کرد. این پزشکان بیماران تنگدست را معالجه و بهداشت عمومی را کنترل می‌کردند. آنان روزانه، شمار افراد فوت شده را بررسی می‌کردند تا اگر روزی عده فوت‌شدگان از حد معمول بیشتر شود، فوراً مجلس مشاوره طبی تشکیل دهند و علت را بررسی کنند. این در حالی بود که در هیچ‌جای ایران حفظ‌الصحه قابل توجهی وجود نداشت و چنانچه بیماری واگیردار و کشنده‌ای شیوع می‌کرد، مجلس مشاوره

۱. اطلاعات بیشتری از این شخص به دست نیامد.

۲. وابسته نظامی سفارت

طبی‌ای نبود که در اندیشهٔ چاره‌جویی برای رفع آن باشد و همه چیز وابسته به «رحم و مروت مرض یا به اصطلاح خودمون تفضلات حضرت باری بود.» (ثریا، ۱۳۱۷ق: ج ۱، ش ۲۹، ۸۷) در واقع، در ایران که به اختلاف، جمعیت آن را از ده تا بیست میلیون نفر ذکر می‌کنند، یک مریض‌خانه مناسب وجود نداشت. روزنامهٔ حبل‌المتین در این خصوص می‌نویسد: در تهران که ۴۰۰ هزار نفر جمعیت داشت، تنها یک مریض‌خانه دولتی وجود دارد که آن هم چنانچه مریضی به آن مراجعه کند و از شدت ناخوشی نمیرد، قطعاً به خاطر فقدان پرستار خواهد مُرد (حبل‌المتین، ۱۳۱۹ق، س ۹، ش ۱۵ و ۱۶، ۱۸۱۷). در ادامهٔ انتقادات از وضعیت بهداشت در ایران، روزنامهٔ ناصری می‌نویسد: ملت چند هزار سالهٔ ایران برای درمان خود نه معالجه می‌شناسد، نه مریض‌خانه‌ای، نه دوایی نه درمانی و نه راه و رسم معالجه‌ای! و در شرایطی که نه جنگی در جریان است و نه طاعونی شایع شده، روزانه هزاران تلفات داریم (ناصری، ۱۳۱۷ق: س ۶، ش ۲۰، ۵). این ناآگاهی و ضعف پزشکی تا اواخر دورهٔ قاجاریه هم وجود داشت (ویشارد، ۱۳۶۳: ۴۶-۴۸). این مسئله در بسیاری از موارد، مردم را به خرافات، ادعیه و حتی جادو سوق می‌داد؛ ولی بعد از ارائهٔ این گزارش‌ها، متجددان و به ویژه دیپلمات‌های ایرانی در آمریکا با توصیف وضعیت پزشکی و بیمارستان‌های آمریکا، یکی از راهکارهای حل این معضل را استفاده از دانش نوین آمریکا ذکر کردند (اطلاع، ۱۳۱۹ق: ش ۲، ۵۶۲). برای عملی شدن این راهکار، علیقلی خان نبیل‌الدوله زمینهٔ ورود چندین محصل ایرانی را به آمریکا برای فراگیری دانش پزشکی فراهم آورد، از جملهٔ این افراد میرزا فریدون خان پسر پرنس ملکم‌خان بود. علیقلی خان از دو نفر اصفهانی، دو طبیب خراسانی و یک سنندجی نام می‌برد و در پایان اظهار امیدواری می‌کند که شمار ایرانیان باز هم افزایش پیدا کند (چهره‌نما، ۱۳۲۹ق، ج ۳، س ۸، ش ۱۲، ۴-۱۳). به نظر می‌رسد این افزایش انجام شد، زیرا بنا به گزارشی که به وزارت امور خارجه ارسال شده بود، اطبا بزرگی از آمریکا به ایران برگشتند، از جملهٔ حبیب‌الله‌خان کرمانشاهی که با وجود اخذ دیپلم‌های متعدد، به کرمانشاه بازگشت و خدمات عمده‌ای در جراحی انجام داد (استادوخ، ۱۳۳۶ق: ک ۵۶، پ ۶، ۱۴-۱۳). بدین ترتیب این محصلان به محض بازگشت از آمریکا توانستند خدمات مهم و شایان تقدیری در حوزهٔ پزشکی

انجام دهند.

ناگفته نماند که علاوه بر سفرها و محصلان ایرانی، آمریکایی‌ها هم در آگاه کردن ایرانیان از معارف و علم آمریکا به ویژه در عرصه پزشکی، تأثیر مهمی داشتند برای نمونه مستر انگرت سفیر آمریکا، یک جلد رساله موسوم به *موارد فرصت برای مطالعه و تحصیل علم طب در آمریکا* به وزارت خارجه ارسال می‌کند و می‌نویسد امیدوار است برای محصلان ایرانی‌ای مفید باشد که به تحصیل علم مزبور اشتغال دارند (استادوخ، ۱۳۳۹ق: ک ۱۰، پ ۱، ش ۵۶).

فارغ‌التحصیلان ایرانی رشته فلاح و زراعت از آمریکا

دانش و پیشرفت‌های آمریکا در عرصه کشاورزی، بیش از هر رشته دیگری مورد توجه ایرانیان قرار گرفت. در این دوره نمایندگان سیاسی ایران در واشنگتن، مطبوعات و روشنفکران یکصدا بر ضرورت فرستادن محصل به آمریکا و توجه به دانش زراعی این کشور تأکید می‌کردند. البته بهره‌مندی از دانش و پیشرفت‌های زراعی آمریکا از چند طریق محقق شد، از جمله مهم‌ترین آنها موارد زیر را باید نام برد: ورود بذر و نهال آمریکایی به ایران (اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۴: ۱/۱۵۳) و ورود مستشاران فلاحی از آمریکا به ایران (هدایت، ۱۳۸۵: ۷۶، ۷۵) و ورود ماشین‌آلات کشاورزی از آمریکا به ایران (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۱/۱۵۵) مشارکت ایران در کنگره‌های کشاورزی در آمریکا (استادوخ، ۱۳۳۰ق: ک ۲۱، پ ۲: ۱۶۷) و ارسال کتب و اوراق چاپی با موضوع زراعت و تجارت از آمریکا به ایران توسط دیپلمات‌های ایرانی در واشنگتن (استادوخ، ۱۳۲۹ق: ک ۲۹، پ ۱، ش ۲۷۸).

بدین ترتیب در این دوره، بسیاری از صاحب‌نظران به این نتیجه رسیدند که چون سیستم آموزشی آمریکا در عرصه تعلیم زراعت و فلاح از همه کشورهای دنیا کامل‌تر و عملی‌تر است، جوانان اعزامی به آمریکا باید در این رشته‌ها تحصیل کنند (ساکما: ۲۹۳/۵۴۲۳). از آنجایی که بخش اعظم ترقی اقتصاد ایران به رشد کشاورزی بستگی داشت، محصلان اعزامی این رشته نسبت به دیگر رشته‌ها بسیار پر شمار بودند (استادوخ، ۱۳۳۸ق: ک ۳۰، پ ۱۹، ش ۵). بنا به نوشته علیقلی خان، سه هزار نفر ایرانی

عموماً از آسوریان ارومیه، در بلاد مختلف آمریکا پراکنده بودند که از این تعداد، حدود ۶۰ درصد به زارعت مشغول بودند (استادوخ، ۱۳۲۹ق: ک ۲۰، پ ۱، ش ۳۵۸). بدون شک، بسیاری از این افراد با یادگیری فنون کشاورزی می‌توانستند در بازگشت به ایران منشأ خدمات خوبی شوند. برای نمونه برخی از آنها در جهت تعلیم به دانش‌آموزان، کتاب‌های زیادی از آمریکا با خود آوردند (استادوخ، ۱۳۳۲ق: ک ۲۷، پ ۱۱، ش ۸). جلیل هاشم‌زاده از دانش‌آموزانی بود که رشته زراعت را برای تحصیل انتخاب کرد. بعد از فارغ‌التحصیلی در رشته فلاحت در ۱۳۳۹ق، در آستانه بازگشت به ایران از وزارت معارف تقاضا کرد که برای خریداری ماشین‌آلات کشاورزی که وجودشان به منفعت دولت است، مبلغی به او بپردازند تا این ماشین‌آلات را بخرد و با خود به ایران بیاورد (استادوخ، ۱۳۳۹ق: ک ۳۰، پ ۱۰، ش ۹، ۳). شاید یکی از دلایلی که موجب شد آمریکایی‌ها در اواخر دوره قاجاریه، مدرسه فلاحت را در ایران تأسیس کنند، فراوانی فارغ‌التحصیلان این رشته در ایران بود. آنهایی که در آمریکا تحصیل کرده بودند، می‌خواستند به کمک آمریکایی‌ها این رشته را در ایران توسعه بدهند (استادوخ، ۱۳۰۱ش: ک ۱۰، پ ۲، ش ۱).

اعزام محصل برای فراگیری دانش نظامی

پیشرفت و تحول آمریکا در عرصه نظامی مانند دیگر علوم، توجه مصلحان و نمایندگان سیاسی ایران را به خود جلب کرد. آنها به خوبی دریافته بودند که پیشرفت‌های علمی و فنی در این عرصه، سبب برتری غرب و به ویژه آمریکا شده است و به دنبال مشاهده ضعف ایران در مقابل دولت روسیه و بریتانیا، نمایندگان سیاسی ایران در آمریکا بیش از پیش به این ضعف پی بردند. آنها کلید رهایی از این وضعیت آشفته را در اصلاحات نظامی و تشکیل یک ارتش مدرن با ورود مستشار از آمریکا و فرستادن محصل برای بهره‌گیری از دانش نظامی این کشور ذکر کردند.

از جمله افرادی که از نزدیک شاهد ترقی آمریکا در حوزه نظامی بودند، علیقلی خان و علایی بودند. آنها در گزارش‌های خود به ایران، اعزام هر چه سریع‌تر برخی از محصلان را به آمریکا خواستار شدند. به دنبال تلاش‌ها و فعالیت‌های آنها وزارت

خارج‌ه متقاعد شد که چند نفر محصل را به مدارس نظامی آمریکا بفرستد. بلاخره این امر در ۱۳۳۰ هجری قمری محقق شد. یکی از این محصلان میرزا محمدعلی‌خان بمپوری نام داشت (استادوخ، ۱۳۳۰ق: ک ۳۷، پ ۲۰، ش ۱۶-۱۴). وی نایب‌اول ژاندارمری بود که به مدرسه نظامی وست پانیت در نیویورک وارد شد. علیقلی‌خان در گزارش خود می‌نویسد: این جوان بعد از تحصیل در این مدرسه نظامی، خدمات بزرگ و انواع فداکاری به دولت و ملت خود ابراز خواهد کرد (استادوخ، ۱۳۳۰ق، ک ۳۷، پ ۲۰، ش ۳).

مدرسه نظامی والپارزو، از دیگر مدارسی بود که مورد توجه علیقلی‌خان واقع شد. وی در خصوص این مدرسه به وزارت خارجه ایران نوشت: «اسم این مدرسه کلیه والپارزو یونیورسیتی می‌باشد و نزدیک شهر عظیمی مثل شیکاگو است و متجاوز از پنج هزار و ۵۰۰ نفر شاگرد دارد و دارای ۳۰ دستگاه عمارت بزرگ است که تمام شعب علوم در آنجا تدریس می‌شود و ترتیب این مدرسه به نوعی است که شاگرد ابداً چاره جز تحصیل دائمی ندارد.» (استادوخ، ۱۳۳۰ق: ک ۳۷، پ ۲۰، ش ۱۳، ۱۲) بنا به این گزارش‌ها، محصلان ایرانی به مدت سه سال در مدارس نظامی آمریکا به تدریس مشغول می‌شدند و بعد از پایان تحصیلات به کشور برمی‌گشتند تا به حال مملکت مفید باشند. میرزا سید حسین مترجم نظام، از جمله محصلان ایرانی بود که به کمک علیقلی‌خان توانست در این مدرسه به تحصیل پردازد. وی به محض بازگشت به ایران، در کنار مسجد شاه، انجمن اسلامی و مدرسه اکابر تشکیل داد. او برای تعلیم به دانش‌آموزان، پنج صندوق کتاب از آمریکا با خود آورد (استادوخ، ۱۳۳۲ق، ک ۲۷، پ ۱۱، ش ۸). بدین ترتیب، بسیاری از محصلان ایرانی موقع بازگشت به وطن، شغل معلمی را انتخاب می‌کردند و دانش نوین خود را به دیگران انتقال می‌دادند و در واقع سبک تدریس آمریکایی را ترویج می‌کردند.

علایی هم مانند علیقلی‌خان در گزارش‌های خود به وزارت معارف، به توصیف مدارس نظامی آمریکا و ترغیب اعزام محصل به این کشور می‌پرداخت. برای نمونه نوشت: یکی از بهترین مدرسه‌های نظامی آمریکا، استات میلیتاری آکادمی است و از آنجا که از هر مملکتی دو نفر شاگرد به صورت مجانی در این مدرسه تعلیم می‌بینند،

دولت ایران باید از این موقعیت به خوبی استفاده کند، زیرا این مدرسه در زمره بهترین مدارس نظامی عالم است (استادوخ، ۱۳۰۲ش: ک ۳۳، پ ۹، ش ۳۰). وی شرایط ورود به مدارس آمریکایی را هم شرح می‌دهد (ساکما، ۲۹۳/۵۴۲۳). از نگاه علایی، آمریکا بیش از هر کشور دیگری به آموزش نظامی توجه می‌کرد. به دنبال پیگیری‌های او، وزرات جنگ دو نفر دیگر به اسامی حسن خان صارم و نصرت‌الله خان را برای تحصیل در مدرسه نظامی وست پوینت معرفی کرد و به این کشور فرستاد (استادوخ، ۱۳۰۳ش: ک ۳۳، پ ۱۰، ش ۲۴) در حقیقت، هدف از فرستادن محصل به مدارس نظامی آمریکا این بود که بعد از کسب دانش در این عرصه خطیر به ایران برگردند و با دانش خود منشأ تحولی عظیم در جامعه شوند.

اعزام شاگرد به آمریکا برای تحصیل «آسمان‌پیمایی» و، یا «فن طیاره» و استخدام معلمان آمریکایی برای آموزش «هوایماییان» در ایران، از آخرین تلاش‌های علایی برای بهره‌مندی از دانش نظامی آمریکا در سال ۱۳۰۲ خورشیدی بود. (استادوخ، ۱۳۰۲ش: ک ۳۶، پ ۱۶، ش ۱۶) وی همچنین برای افزایش آگاهی مقامات دولتی از برتری آمریکا در عرصه هوایمایی، کتابچه‌هایی در این خصوص به ایران فرستاد (استادوخ، ۱۳۰۲ش: ک ۳۶، پ ۱۶، ش ۲۰-۱۷). به نظر می‌رسد حسن خان صارم و نصرت‌الله خان، برای تحصیل و فراگیری این دانش انتخاب شده بودند. از این گزارش‌ها به خوبی پیداست مناسبات علمی و آموزشی ایران و آمریکا در بیشتر حوزه‌ها از جمله مهندسی و علوم نظامی، در آخرین سال‌های حکومت قاجاریه رو به ترقی بود.

اتومبیل‌رانی و فراگیری علم مکانیک

تا سال‌های منتهی به مشروطه، در ایران تنها چند ماشین وجود داشت. این در حالی بود که آمریکا بزرگ‌ترین تولیدکننده اتومبیل در دنیا به شمار می‌رفت و شرکت فورد، بزرگترین کارخانه اتومبیل‌سازی جهان، در شهر دیترویت آمریکا واقع بود که در سال ۱۳۳۱ق، روزانه تا ۱۲۰۰ دستگاه اتومبیل تولید می‌کرد (چهره‌نما، ۱۳۳۲ق: ج ۴، س ۱۱، ش ۱۳، ۱۵). طبق گزارشی دیگر در سال ۱۳۴۱ق، آمریکا با ۱۰ میلیون و ۵۰۰ هزار دستگاه اتومبیل و بریتانیا با ۴۹۷ هزار اتومبیل به ترتیب بیشترین شمار اتومبیل را

در جهان داشتند (مرد آزاد، ۱۳۴۱ق: ش ۴، ۲۵). بنابراین آمریکا از نظر تعداد اتومبیل سرآمد تمام کشورهای جهان به شمار می‌رفت. این گزارش‌ها سبب شد بازار اتومبیل آمریکا، توجه ایران را به ویژه بعد از مشروطه، به خود جلب کند و البته در مواردی خود آمریکایی‌ها هم پیشقدم شدند و ایران را به خرید تولیداتشان ترغیب کردند (استادوخ، ۱۳۰۲ش: ک ۳۲، پ ۶، ش ۲).

در حقیقت ایران نیز مانند هر کشور دیگری در اوایل قرن بیستم، خود را به بهره‌مندی از تحولات چشمگیر صنعت خودرو نیازمند دید. وزارت خارجه ایران بنا به تقاضای وزارت تجارت، فلاح و فواید عامه، در نامه‌ای از علیقلی خان خواست نظر به نیازهای موجود، تعدادی کامیون و اتومبیل به جهت تسهیل حمل و نقل عمومی که از مسائل حیاتی مملکت بود، از آمریکا خریداری کند (استادوخ، ۱۳۳۶ق: ک ۳۱، پ ۴، ش ۳۶). بدین ترتیب در آخرین سال‌های حکومت قاجاریه، حدود ۳۶۶ دستگاه اتومبیل از آمریکا به ایران وارد شد. علاوه بر خرید اتومبیل از این کشور، دیپلمات‌های ایرانی برای بهره‌مندی از صنعت خودروسازی آمریکا تلاش‌های بسیاری انجام دادند. یکی از اقدامات آنها، مذاکره با کمپانی‌ها و مدارس مختلف آمریکایی برای ورود محصل به این کشور بود. به دنبال این تلاش‌ها در ۱۳۴۳ق، کمپانی فورد آمریکا قبول کرد که ۲۵ نفر ایرانی برای یک دوره دو ساله آموزش اتومبیل‌رانی و مکانیک اتومبیل به آمریکا اعزام شوند (طیرانی، ۱۳۷۹: ۱۸). از رفتن و، یا نرفتن این تعداد محصل برای آموزش اتومبیل‌رانی و فراگیری مکانیک اطلاعی در دست نیست. البته چندین سال قبل از این گزارش و پیش از اعزام محصل در رشته مکانیک، محصلان ایرانی در کارولینای شمالی حضور داشتند که در رشته مهندسی الکتریک و مکانیک تحصیل می‌کردند. طبق استدلال علیقلی خان، این محصلان به محض اتمام تحصیل می‌توانند به وطن خدمت بزرگی کنند (استادوخ، ۱۳۲۹ق: ک ۳۶، پ ۱۴، ش ۲، ۵). بدین ترتیب، مصلحان ایرانی با توجه به آگاهی از توسعه و پیشرفت آمریکا در صنعت خودروسازی، خواستار بهره‌مندی از دانش این کشور شدند و برای تحقق این خواسته، به اعزام محصل به آمریکا و خرید اتومبیل از این کشور اقدام کردند.

تحصیل دختران ایرانی در آمریکا

انعکاس تحولات اجتماعی و حقوقی زنان آمریکا در مطبوعات دوره قاجاریه و گزارش نمایندگان سیاسی ایران و نیز تلاش مدارس میسیونری آمریکایی برای فراهم کردن زمینه تحصیل دختران ایرانی در دوره قاجاریه، سبب شد که بسیاری از خانواده‌ها و اندیشمندان این دوره، راز عقب ماندگی زنان ایرانی را در بی‌بهرگی از آموزش‌های نوین ذکر کنند. از این رو، بسیاری از خانواده‌های ایرانی دختران خود را برای تحصیل به این مدارس فرستادند (کاوه، ۱۳۳۸ق: س ۵، ش ۲۷، ۵). در نتیجه ده‌ها سال فعالیت میسیون آمریکا در ایران، به ویژه در میان اقلیت‌های مسیحی شمال غرب کشور، موج مهاجرت ایرانیان به آمریکا آغاز شد. بخش قابل توجهی از مهاجران، آشوریان ارومیه بودند که جمعیت آنان را بالغ بر سه هزار نفر ذکر کرده‌اند (استادوخ، ۱۳۲۹ق: ک ۲۰، پ ۱، ش ۳۵۸). اگرچه بسیاری از این مهاجران را مردان تشکیل می‌دادند که غالباً در جست‌وجوی کار به آن کشور رفته بودند، بدون شک تعداد هر چند ناچیزی از آنها نیز به منظور ادامه تحصیل به آن کشور رفته بودند و هیچ دلیلی وجود ندارد که حضور شماری ولو اندک از دختران را در میان آنان محال بدانیم. البته از سرگذشت دختران ایرانی در آمریکا جز اشاره‌های پراکنده اطلاع چندانی در دست نیست و تنها موردی که محافل آمریکایی به تفصیل مورد توجه قرار داده‌اند و درباره‌اش نوشته‌اند، قدسیه اشرف بود که به زبان انگلیسی مسلط شد و در حوزه‌های مختلف علمی، اجتماعی و فرهنگی پیشرفت زیادی کرد (فریدالملک همدانی، ۱۳۵۴: ۳۸۳).^(۴)

قدسیه اشرف در تهران به دنیا آمد. با فراگیری زبان انگلیسی به مدارس آمریکایی وارد شد و پس از اخذ دیپلم در ۱۶ آوریل ۱۹۱۱ میلادی، برای ادامه تحصیل به آمریکا عازم شد (موجانی، ۱۳۷۵: ۴۷۳). درباره خانواده وی آمده است: «پدر او میرزا فضل الله خان که مساح و فردی توانگر است، چه بسا اعتقاد عمیقی به آموزش دارد. هنگامی که مدرسه مبلغین مذهبی گشوده شد، فاصله زیادی تا منزل آنان داشت و به همین خاطر به خانه‌ای در نزدیکی مدرسه نقل مکان کردند.» بر این اساس باید اذعان کرد که خانواده قدسیه اشرف همچون برخی دیگر از خانواده‌های ایرانی، تحت تأثیر فضای ناشی از تبلیغات مطبوعات قاجاریه و مدارس آمریکایی، فرزند خود را برای

شکل‌گیری اندیشه اعزام محصل به آمریکا (با تکیه بر نقش دیپلمات‌ها) | ۴۷

تحصیل به آمریکا فرستادند. روزنامه‌های آمریکایی هم در گزارش‌های خود به این بانوی ایرانی اشاره کرده‌اند (ایرانیان از نگاه آمریکاییان، ۱۳۹۷: ۱۳۱، ۱۲۹). بدین ترتیب، قدسیه اشرف با تأثیرپذیری از مدارس میسیونری و تنها با گذشت چند سال از انقلاب مشروطه، با کمک علیقلی خان راهی آمریکا شد. در آنجا وی بعد از طی کردن مدارج علمی، موفق به اخذ درجه فوق‌لیسانس شد و در مراجعت به ایران سالیان دراز، در آبادان و شمال ایران به مردم این نواحی خدمت کرد. در حقیقت هدف از فرستادن قدسیه به آمریکا این بود که بعد از کسب علم به کشور بازگردد و در راه تعلیم و تربیت زنان ایران منشأ خدمت شود (همان، ۱۳۲).

علاوه بر علیقلی خان، علایی هم در زمینه‌سازی برای ادامه تحصیل دختران ایرانی در آمریکا، به اقداماتی دست زد. برای نمونه، وی از مدرسه دخترانه «Fieldston College» که در واشنگتن احداث شده بود، درخواست کرد که زمینه ورود دختران ایرانی را فراهم آورند. هیئت رئیسه این مدرسه هم وعده داد سالانه ۱۵۰ دلار به تحصیل یک دختر ایرانی در آن مدرسه کمک کنند (استادوخ، ۱۳۰۰ش: ک ۲۳، پ ۲، ش ۱۶۹). مشخص نیست که از این پیشنهاد استقبال شد یا نه، اما این گزارش نشان می‌دهد که دیپلمات‌های ایرانی چنان مجذوب تعلیم و تربیت دختران و پسران در آمریکا شده بودند که از هر فرصتی برای جذب دانشجو در آمریکا استفاده می‌کردند.

در پایان باید گفت طبق آمار وزارت امور خارجه آمریکا در اواخر دوره قاجاریه یعنی، از تاریخ ۱۰ تیر ۱۳۰۳ تا ۱۰ تیر ۱۳۰۴ خورشیدی، ۷۴ نفر ایرانی به آمریکا مهاجرت کردند که گویا تعدادی از آنها برای کسب علم عازم این کشور شده بودند (طیرانی، ۱۳۷۹: ۱۹). در این خصوص اطلاعات دقیقی در دست نیست، اما در همین تاریخ و بعد از قتل مازور ایمری، دولت آمریکا که از نظر ماهیت سیاسی و روش تعامل با ملل ضعیف، با دولت امروز آمریکا تفاوت‌های بسیاری داشت، عذرخواهی ایران را پذیرفت و از هزینه حمل جنازه ایمری در گذشت و پیشنهاد کرد که منافع حاصله از ۱۱۰ هزار دلار مخارج حمل جنازه ایمری با کشتی، برای تحصیل سه نفر محصل ایرانی در آمریکا صرف شود. البته سردار سپه با این پیشنهاد مخالفت کرد (معتصم‌السلطنه، ۱۳۴۵: ۱۹۳).

نتیجه‌گیری

تحولات فزاینده و پیشرفت‌های علمی، آموزشی و تکنولوژیکی ایالات متحده همزمان با روی کار آمدن قاجارها، به اندازه‌ای سریع و عمیق بود که بسیاری از صاحب‌نظران و روشنفکران را تحت تأثیر قرار داد. آنها به این نتیجه رسیدند که باید محور بودن اروپا در علم و دانش و صنعت را به آمریکا انتقال داد و زمینه‌های الگوبرداری از این کشور به عنوان بهترین الگوی پیشرفت شکل بگیرد. در پژوهش حاضر براساس اسناد مذاکرات وزارت خارجه، مشخص شد که دیپلمات‌های برجسته‌ای همچون علیقلی‌خان و علایی، نقش بی‌بدیلی در شناخت ایرانیان از مدارس و نظام آموزشی آمریکا داشتند. آنها با آگاهی از پیشرفت‌های آمریکا، به ضرورت اخذ فرهنگ و تمدن از این کشور پی بردند و نگاه ایرانیان را از اروپا به آمریکا متمایل کردند. بنابراین در گزارش‌های خود ضمن تحلیل چرایی و چگونگی کارایی نظام تربیتی آمریکا، در تلاش بودند مقامات دولتی را جهت الگوبرداری از نظام آموزشی آمریکا و اعزام محصل به این کشور متقاعد کنند. برای تحقق این امر، تمام موانع ورود محصلان را به آمریکا برطرف کردند و در دهه‌های پایانی عصر قاجاریه موفق شدند گروهی از محصلان ایرانی را برای فراگیری علوم و فنون نظامی، مهندسی، پزشکی، کشاورزی و... به این کشور بفرستند. اعزام محصل به آمریکا تأثیرات مثبتی به همراه داشت. یکی از مهم‌ترین دستاوردها این بود که محصلان دانش و مهارت‌های آمریکایی‌ها را با خود به ایران آوردند و با به چالش کشیدن نظام آموزشی سنتی در ایران و مقایسه آن با آمریکا، زمینه‌های ترقی و تحول را در عرصه‌های همچون پزشکی، کشاورزی، فنی مهندسی و... فراهم آوردند. بدین ترتیب، هیئت حاکمه قاجاریه نیز تحت تأثیر این محیط فکری، به اخذ دانش و پیشرفت‌های نوین آمریکایی‌ها در این عرصه‌ها تن داده و به ویژه در اواخر دوره قاجاریه، وزارتخانه‌های مختلف در روالی نظام‌مند و به‌نحو فزاینده‌ای به اعزام دانشجو به آمریکا مبادرت کردند.

پی‌نوشت‌ها

۱. نگارنده نقش مطبوعات، متجددان، میسیونرها و انجمن تربیتی ایران و آمریکا را در شناخت نظام آموزشی آمریکا و فراهم آوردن زمینه‌های ورود محصلان ایرانی به آمریکا، بررسی و در مقاله‌ای جداگانه منتشر کرده است. لذا از آوردن مباحث تکراری خودداری می‌شود. برای اطلاع بیشتر در این خصوص ر.ک: (جهانی و رحمانیان، ۱۳۹۹).
۲. دو نفر از سه نوجوان مورد اشارهٔ چهره‌نما پسران مهندس‌الممالک و ملک‌المورخین بودند. این دو، به خاطر هوش و استعدادی که داشتند مورد توجه مدارس، مردم و جراید آمریکا قرار گرفتند و تصاویر آنها در روزنامه‌ها آمریکا منتشر شد (استادوخ، ۱۳۲۹ ق، ک ۳۶، پ ۱۴: ۱۵).
۳. به نظر می‌رسد که نام خانوادگی او در ابتدا، علا بود و بعد از این که به وزارت مختاری ایران در آمریکا رسیده به علایی تغییر یافته است، به طوری که در اسناد به دست آمده از وزارت خارجه، وی تمام نامه‌ها خود را با امضا علایی ارسال کرده است.
۴. نگارنده در مقاله‌ای دیگر در خصوص تحصیل دختران ایرانی در آمریکا به صورت مفصل این موضوع را بررسی کرده است. برای اطلاع بیشتر ر.ک: (جهانی و ملایی‌توانی، ۱۴۰۰)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مأخذ

الف) اسناد منتشر نشده

- اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه (استادوخ)، ۱۳۲۱ق، کارتن ۱۱، پوشه ۵
.....
۱۳۲۲ق، کارتن ۴، پوشه ۱۰
.....
۱۳۲۷ق، کارتن ۲۰، پوشه ۱
.....
۱۳۲۹ق، کارتن ۲۰، پوشه ۱
.....
۱۳۲۹ق، کارتن ۳۶، پوشه ۱۴
.....
۱۳۲۹ق، کارتن ۳۶، پوشه ۴
.....
۱۳۲۹ق، کارتن ۲۹، پوشه ۱
.....
۱۳۳۰ق، کارتن ۳۷، پوشه ۲۰
.....
۱۳۳۰ق، کارتن ۲۱، پوشه ۲
.....
۱۳۳۲ق، کارتن ۲۷، پوشه ۱۱
.....
۱۳۳۶ق، کارتن ۲۱، پوشه ۱
.....
۱۳۳۶ق، کارتن ۵۶، پوشه ۶
.....
۱۳۳۶ق، کارتن ۳۱، پوشه ۴
.....
۱۳۳۷ق، کارتن ۱۰، پوشه ۴
.....
۱۳۳۸ق، کارتن ۲۲، پوشه ۱
.....
۱۳۳۸ق، کارتن ۳۰، پوشه ۱۹
.....
۱۳۳۹ق، کارتن ۳۰، پوشه ۱۰
.....
۱۳۳۹ق، کارتن ۲۲، پوشه ۱
.....
۱۳۳۹ق، کارتن ۱۰، پوشه ۱
.....
۱۳۰۰ش، کارتن ۲۳، پوشه ۲
.....
۱۳۰۱ش، کارتن ۱۰، پوشه ۱۲
.....
۱۳۰۲ش، کارتن ۲۲، پوشه ۹
.....
۱۳۰۲ش، کارتن ۳۳، پوشه ۹
.....
۱۳۰۲ش، کارتن ۳۲، پوشه ۶
.....
۱۳۰۲ش، کارتن ۳۶، پوشه ۱۶
.....
۱۳۰۳ش، کارتن ۳۳، پوشه ۱۰



شکل گیری اندیشه اعزام محصل به آمریکا (با تکیه بر نقش دیپلمات‌ها) | ۵۱

- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، سند شماره ۲۹۳/۵۴۲۳
.....، سند شماره ۲۹۷/۱۷۷۴۸
.....، سند شماره ۲۹۷/۱۳۹۷۹
.....، سند شماره ۲۹۷/۳۸۵۸۷
.....، سند شماره ۲۹۷/۴۱۶۳۱
.....، سند شماره ۲۹۷/۳۰۵۲۹

ب) روزنامه و مجلات

- روزنامه اختر (۱۳۰۹ق)، سال ۷، شماره ۲.
روزنامه اطلاع (۱۳۱۹ق)، شماره ۵۶۲.
روزنامه ثریا (۱۳۱۷ق)، سال ۱، شماره ۲۹
روزنامه ثریا (۱۳۱۷ق)، سال ۱، شماره ۴۲.
روزنامه چهره‌نما (۱۳۳۲ق)، سال ۱۱، شماره ۱۳.
روزنامه چهره‌نما (۱۳۲۹ق)، سال ۸، شماره ۴.
روزنامه چهره‌نما (۱۳۲۹ق)، سال ۸، شماره ۴.
روزنامه جبل‌المتین (۱۳۱۸ق)، سال ۷، شماره ۳۹.
روزنامه جبل‌المتین (۱۳۱۹ق)، سال ۹، شماره ۱۶، ۱۵.
روزنامه کاوه (۱۳۳۸ق)، سال پنجم، شماره ۵.
روزنامه کاوه (۱۳۳۹ق)، سال پنجم، شماره ۱.
روزنامه مجلس (۱۳۲۹ق)، شماره ۲۷.
روزنامه مرد آزاد (۱۳۴۱ق)، شماره ۲۵.
روزنامه ناصری (۱۳۱۷ق)، سال ۶، شماره ۲۰.
مجله ایرانشهر (۱۳۴۲ق)، سال دوم، شماره ۸.

ج) کتب و مقالات

- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۶۳)؛ (۱۳۷۴)، المآثر والآثار (چهل سال تاریخ ایران)،
به کوشش ایرج افشار، جلد ۱ و ۲، تهران: اساطیر.
ایرانیان از نگاه آمریکاییان، ایران عهد قاجار در روزنامه‌های آمریکا (۱۳۹۷)، ترجمه علیرضا
ساعتچیان، تهران: پارسه.
بهنام، جمشید (۱۳۷۵)، ایرانیان و اندیشه تجدد، تهران: نشر فرزاد.

- جهانی، فرشته، داریوش رحمانیان (۱۳۹۹)، «بازتاب نظام آموزشی آمریکا در اندیشه ایرانیان دوره قاجاریه و نتایج آن»، جستارهای تاریخی، دوره ۱۱، شماره ۱، شماره پیاپی ۱.
- جهانی، فرشته، علیرضا ملایی توانی (۱۴۰۰)، «آشنایی ایرانیان با جایگاه زن در جامعه آمریکایی از رهگذر مطبوعات و مدارس میسیونری در دوره قاجاریه»، فصلنامه تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء، دوره ۳۱، شماره ۵۰، شماره پیاپی ۱۴، صص ۷۱-۹۲.
- طالبوف، عبدالرحیم (۱۳۵۶)، احمد، با مقدمه و حواشی باقر مومنی، تهران: شبگیر.
- طالبوف، عبدالرحیم (۲۵۳۶)، مسالک المحسنین، با مقدمه و حواشی باقر مومنی، تهران: شبگیر.
- طیرانی، بهروز (۱۳۷۹)، روز شمار روابط ایران و آمریکا، تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی چاپ وزارت امور خارجه.
- فریدالملک همدانی، میرزا محمد علیخان (۱۳۵۴)، خاطرات فرید، گردآورنده مسعود فرید (قراگزلو)، تهران: انتشارات زوار.
- معتصم السلطنه، فرخ (۱۳۴۵)، خاطرات سیاسی فرخ، تهران: جاویدان.
- موجانی، علی (۱۳۷۵)، گزیده اسناد روابط ایران و آمریکا (۱۸۵۱-۱۹۲۵ م)، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزات خارجه.
- موجانی، علی (۱۳۷۵)، بررسی مناسبات ایران و آمریکا، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت خارجه.
- ویشارد، جان (۱۳۶۳)، بیست سال در ایران، ترجمه علی پیرنیا، تهران: نوین.
- هدایت، حاج مهدی قلی خان (۱۳۸۵)، خاطرات و خطرات، تهران: زوار.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

List of Sources with English Handwriting

- Edāre Asnād va Tārīk-e Dīplomāsī-ye Vezārat-e Omūr-e kāreje (Stādūk), 1321 AH, Cārton 11, Folder 5.
- Edāre Asnād va Tārīk-e Dīplomāsī-ye Vezārat-e Omūr-e kāreje (Stādūk), 1322 AH, Cārton 4, Folder 10.
- Edāre Asnād va Tārīk-e Dīplomāsī-ye Vezārat-e Omūr-e kāreje (Stādūk), 1327 AH, Cārton 20, Folder 1.
- Edāre Asnād va Tārīk-e Dīplomāsī-ye Vezārat-e Omūr-e kāreje (Stādūk), 1329 AH, Cārton 20, Folder 1.
- Edāre Asnād va Tārīk-e Dīplomāsī-ye Vezārat-e Omūr-e kāreje (Stādūk), 1329 AH, Cārton 36, Folder 14.
- Edāre Asnād va Tārīk-e Dīplomāsī-ye Vezārat-e Omūr-e kāreje (Stādūk), 1329 AH, Cārton 36, Folder 4.
- Edāre Asnād va Tārīk-e Dīplomāsī-ye Vezārat-e Omūr-e kāreje (Stādūk), 1329 AH, Cārton 29, Folder 1.
- Edāre Asnād va Tārīk-e Dīplomāsī-ye Vezārat-e Omūr-e kāreje (Stādūk), 1330 AH, Cārton 37, Folder 20.
- Edāre Asnād va Tārīk-e Dīplomāsī-ye Vezārat-e Omūr-e kāreje (Stādūk), 1330 AH, Cārton 21, Folder 2.
- Edāre Asnād va Tārīk-e Dīplomāsī-ye Vezārat-e Omūr-e kāreje (Stādūk), 1332 AH, Cārton 27, Folder 11.
- Edāre Asnād va Tārīk-e Dīplomāsī-ye Vezārat-e Omūr-e kāreje (Stādūk), 1336 AH, Cārton 21, Folder 1.
- Edāre Asnād va Tārīk-e Dīplomāsī-ye Vezārat-e Omūr-e kāreje (Stādūk), 1336 AH, Cārton 56, Folder 6.
- Edāre Asnād va Tārīk-e Dīplomāsī-ye Vezārat-e Omūr-e kāreje (Stādūk), 1336 AH, Cārton 31, Folder 4.
- Edāre Asnād va Tārīk-e Dīplomāsī-ye Vezārat-e Omūr-e kāreje (Stādūk), 1337 AH, Cārton 10, Folder 4.
- Edāre Asnād va Tārīk-e Dīplomāsī-ye Vezārat-e Omūr-e kāreje (Stādūk), 1338 AH, Cārton 22, Folder 1.
- Edāre Asnād va Tārīk-e Dīplomāsī-ye Vezārat-e Omūr-e kāreje (Stādūk), 1338 AH, Cārton 30, Folder 19.
- Edāre Asnād va Tārīk-e Dīplomāsī-ye Vezārat-e Omūr-e kāreje (Stādūk), 1339 AH, Cārton 30, Folder 10.
- Edāre Asnād va Tārīk-e Dīplomāsī-ye Vezārat-e Omūr-e kāreje (Stādūk), 1339 AH, Cārton 22, Folder 1.
- Edāre Asnād va Tārīk-e Dīplomāsī-ye Vezārat-e Omūr-e kāreje (Stādūk), 1339 AH, Cārton 10, Folder 1.
- Edāre Asnād va Tārīk-e Dīplomāsī-ye Vezārat-e Omūr-e kāreje (Stādūk), 1300 AH, Cārton 23, Folder 2.
- Edāre Asnād va Tārīk-e Dīplomāsī-ye Vezārat-e Omūr-e kāreje (Stādūk), 1301 AH, Cārton 10, Folder 12.
- Edāre Asnād va Tārīk-e Dīplomāsī-ye Vezārat-e Omūr-e kāreje (Stādūk), 1302 AH, Cārton 22, Folder 9.
- Edāre Asnād va Tārīk-e Dīplomāsī-ye Vezārat-e Omūr-e kāreje (Stādūk), 1302 AH, Cārton 33, Folder 9.

- Edāre Asnād va Tārīk-e Dīplomāsī-ye Vezārat-e Omūr-e kāreje (Stādūk), 1302 AH, Cārton 32, Folder 6.
- Edāre Asnād va Tārīk-e Dīplomāsī-ye Vezārat-e Omūr-e kāreje (Stādūk), 1302 AH, Cārton 36, Folder 16.
- Edāre Asnād va Tārīk-e Dīplomāsī-ye Vezārat-e Omūr-e kāreje (Stādūk), 1303 AH, Cārton 33, Folder 10.
- Sāzmān-e Asnād va Ketābkān-e Mellī-ye Iran (Sākmā), Document No. 5423/293.
- Sāzmān-e Asnād va Ketābkān-e Mellī-ye Iran (Sākmā), Document No. 17748/297.
- Sāzmān-e Asnād va Ketābkān-e Mellī-ye Iran (Sākmā), Document No. 13979/297.
- Sāzmān-e Asnād va Ketābkān-e Mellī-ye Iran (Sākmā), Document No. 38587/297.
- Sāzmān-e Asnād va Ketābkān-e Mellī-ye Iran (Sākmā), Document No. 41631 / 297.
- Sāzmān-e Asnād va Ketābkān-e Mellī-ye Iran (Sākmā), Document No. 30529 / 297.
- Newspapers and magazines
- Akhtar Newspaper (1309 AH), year 7, number 2.
- Čehreh Nemā Newspaper (1329 AH), year 8, number 4.
- Čehreh Nemā Newspaper (1329 AH), year 8, number 4.
- Čehreh Nemā Newspaper (1332 AH), year 11, number 13.
- Eṭelā'āt Newspaper (1319 AH), No. 562.
- Hablol-Maṭīn Newspaper (1318 AH), year 7, number 39.
- Hablol-Maṭīn Newspaper (1319 AH), year 9, numbers 16, 15.
- Iranšahr Magazine (1342 AH), second year, number 8.
- Kāveh Newspaper (1338 AH), fifth year, number 5.
- Kāveh Newspaper (1339 AH), fifth year, number 1.
- Majles Newspaper (1329 AH), number 27.
- Mard-e Āzād Newspaper (1341 AH), No. 25.
- Nāserī Newspaper (1317 AH), year 6, number 20.
- Torayyā Newspaper (1317 AH), year 1, number 29.
- Torayyā Newspaper (1317 AH), year 1, number 42.

Bibliography

- Behnām, ĵamšīd (1375), *Iranians and the Thought of Modernity*, Tehrān: Farzān Publishing.
- E'temād-ol-Saltāne, Moḥammad Ḥassan kān (1363), *Al-Ma'āṭer al-Āṭār*, Iraĵ Afšār, Vol. 1&2, Tehrān: Asāṭīr
- Farīdolmolk Hamedānī, Mīrzā Moḥammad 'Alīkān (1359), *kāṭerāt-e Farīd*, compiled by Mass'ūd Farīd (Qarāgozloo), Tehrān: Zavvār Publications.
- Hedāyat, Hāĵ Mehdi Qolī kān (1385), *kāṭerāt va katarāt*, Tehrān: Zavvār.
- Iranians from the perspective of Americans (Qājār in American Newspapers), (1397), Translated by 'Alīrezā Sā'atčīyān, Tehrān: Pārise.
- ĵahānī, Ferešte, Raḥmānīyān Dārīūš, (1399), Reflection of the American educational system on Iranian thought of Qajar era and its results, *ĵostārhā-ye Tārīkī*, Volume 11, Number 1 - Issue 1.
- ĵahānī, Ferešte; Molla'ī Tavānī, 'Alīrezā (1400), Familiarity of Iranians With the Position of Women in American Society Through the Press and Missionary Schools in the Qajar Period, *Al-Zahar University Quarterly Journal of History of Islam and Iran*, Volume 31, Number 50, Issue 14.
- Mojānī, 'Alī (1375), *A Study of Iran-US Relations*, Tehran: Mo'asese Čāp va Entesārāt-e Vezārat-e kāreje..

- Moĵānī, ‘Alī (1375), *Gozīde Asnād-e Ravābeṭe Iran va Āmrīkā* (1851-1925), Tehrān: Mo’aseṣe Čāp va Enteshārāt-e Vezārat-e kārēje.
- Mo’tašīm al-Saltāna, Farroḳ (1345), *kāterāt-e Sīyāsī-ye Farroḳ*, Tehrān: Jāvīdān.
- Ṭalībof, ‘Abdolrahīm (1356), *Aḥmad*, with introduction and footnotes by Bāqer Mo’menī, Tehrān: Šabgīr.
- Ṭalībof, ‘Abdolrahīm (2536), *Masālīk al-Moḥsenīn*, with introduction and footnotes by Bāqer Mo’menī, Tehrān: Šabgīr.
- Ṭīrānī, Behrooz (1379), *Roūzšomār-e Ravābeṭe Iran va Āmrīkā*, Behrooz Ṭīrānī, Tehrān: Markaz-e Asnād va Tārīḳ-e Dīplomāsī, Čāp-e Vezārat-e Omūr-e kārēje.
- Wishard, John G (1363), *Twenty years in Persia; a narrative of life under the last three shahs, 1908*, Translated by ‘Alī Pīrnīyā, Tehrān: Novīn.

